



وقتی زمین را عباد صالح خدا به ارث می برند/ خصائص دوران ظهور

یک معنای ارث به معنای تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر یک قوم ناشایست است که این قوم صالح وقتی پیروز شد تمام دارایی قوم ناصالح را به تملیک خود در می آورد.

یک معنای ارث به معنای تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر یک قوم ناشایست است که این قوم صالح وقتی پیروز شد تمام دارایی قوم ناصالح را به تملیک خود در می آورد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه دوم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

اولین گام ما در موضوع امام زمان این است که ما چرا باید در مورد آن حضرت بحث بکنیم؟ عرض کردیم که منطق قرآن این است که ما را دعوت به تعقل می کند و می فرماید کسانی که قوه عاقله و خردورزی را تعطیل کرده اند، اینها بدترین جنبنندگان نزد خداوند هستند.

با توجه به این مقدمه ما به بخشی از آیات قرآن که مراجعه می کنیم می بینیم اینها یک معنای خاص دارند که زمان تحقق آن نه گذشته بوده و در نه حال است. بنابراین باید بررسی کنیم که این اتفاقات چه زمانی خواهد بود. همین بررسی ها ما را به بحث از امام زمان(عج) می رساند. دو کتابی که در جلسه قبل معرفی کردیم همین بیان را داشت.

آیه ای که در جلسه قبل اشاره کردیم آیه ۲۳ سوره توبه بود که می فرماید: *لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ*; که گفتیم تفوق اسلام بر همه ادیان چه زمانی اتفاق می افتد، هر پیروزی که در عصر پیامبر بود مقطعی و منطقه ای بود. ما باید بفهمیم که این اتفاق چه زمانی رخ خواهد داد. به استناد روایات می توان این دوران را به دوران ظهور حضرت ولی عصر تطبیق داد.

برخی از این روایات در کتاب کافی و مجمع البیان و تفسیر قمی بیان شده است.

ذیل آیه ای که عرض شد، راوی می گوید خدمت امام صادق رسیدم و گفتم: *لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ*; چه مقطعی است؟ حضرت فرمود: *لِيُظْهِرَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ*; بر همه ادیان تفوق پیدا می کند زمانی که وجود نازنین امام عصر قیام کند.

روایت دیگری ذیل همین آیه در مجمع البیان آمده است که امام باقر فرمود یكون ان لا يبقى أحد إلا أقرّ بمحمد (ص) یعنی درباره قول خدا *لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ* ... که آن زمانی خواهد بود هیچ کس باقی نمی ماند مگر اینکه به حضرت محمد (ص) اقرار می کند. یعنی همه اقرار به دین اسلام خواهند داشت.

روایت دیگری در این باب هست که مقدار ابن اسود می گوید از پیامبر شنیدم: *لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٌ وَلَا وَبَرٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ بَعْزٌ عَزِيزٌ أَوْ ذُلٌّ ذَلِيلٌ أَوْ يَعْزُهُمُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - فَيَجْعَلُهُمْ مِنْ أَهْلِهَا أَوْ يَذْلُهُمْ فَيَذْنِبُونَ لَهَا*; یعنی هیچ خانه ای روی زمین باقی نمی ماند، چه ساخت آن از گِل باشد و چه از خیمه و پارچه باشد، مگر اینکه خداوند اسلام را در آنجا وارد می کند، یا به عزت و سربلندی و یا به خواری و ذلت (یعنی یا خودشان می پذیرند یا مجبور به پذیرش می شوند) کسانی که با سربلندی می پذیرند خدا آنها را عزیز می کند و کسانی که در مقابلش قد علم می کنند به هر صورت سر تعظیم فرود خواهند آورد. این قوه قهریه ای است که در زمان امام عصر باعث تفوق اسلام می شود.

آیه دومی که ما مورد بحث قرار می دهیم سوره انبیا آیه ۱۰۵ است که می فرماید: *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ*; در اینجا به عنوان یکی از بشارت های کتب آسمانی گذشته ذکر شده است. هرگاه قرآن از واژه *كَتَبَ* بصورت ماضی استفاده می کند به معنی این است که یک فعلی محققاً در آینده اتفاق خواهد افتاد.

زبور کتاب حضرت داوود(ع) است و در عهد عتیق نام کتاب ایشان را مزامیر می گویند. این کتاب مانند صحیفه سجاده ما

جنبه مناجاتی دارد. «ذکر»؛ هم نام اختصاصی قرآن است اما در این آیه که می گوید «من بعد الذکر»؛ منظور کتاب تورات جناب موسی است. چون کتب آسمانی مادامی که از سوی خدا آمده و تحریف نشده است چیزی برای تذکار و یادآوری است. به همین جهت اسم کتاب تورات را هم ذکر می نامند.

ارث به تملکی می گویند که بدون داد و ستد اتفاق می افتد. یک معنای ارث هم به معنای تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر یک قوم ناشایست است که این قوم صالح وقتی پیروز شد تمام دارایی قوم ناصالح را به تملیک خود در می آورد.

در ادامه توضیح این آیه باید گفت کلمه «الارض»؛ به همه ارض اتلاق می شود نه بخشی از آن. ثانیاً «برئها»؛ یعنی در مقام تسلط قرار می گیرد و کسانی که بر آن مسلط می شوند عباد صالح اند. عباد صالح دو خصیصه دارند اول اینکه اهل ایمان هستند و دوم اهل عمل اند.

تدبر در قرآن در این آیه شریفه می فرماید یک مقطعی خواهد آمد که تمام کره زمین را عباد صالح و شایسته تصرف می کنند. این چه زمانی است؟ آیات قرآن آیتی است که باید به یک حقیقت عینی و خارجی تطبیق پیدا کند. حقیقت خارجی این آیه چه زمانی است؟ تدبر ما پیرامون این آیه ما را به پژوهشی در مورد امام عصر وادار می کند.

در کتاب تفسیر قمی و هم تفسیر نمونه این روایات آمده است. ذیل آیه ای که ذکر شد آمده است که امام صادق فرمود «عباد صالح القائم و اصحابه»؛ یعنی به دوران ظهور امام عصر باز می گردد. در حدیث دیگری از امام باقر ذیل این آیه می فرماید «هم اصحاب المهدی آخر الزمان»؛ یعنی عباد صالح اصحاب حضرت مهدی در آخر الزمان هستند که به فرماندهی آنها امام عصر است.

حضرت باقر عباد صالح را اینطور تعبیر می کنند که «هم آل محمد یبعث الله مهديهم بعد جدهم، فيعزهم و يذلّ عدوهم»؛ خدا مهدی را مبعوث می کند و خدا مسلمین را به واسطه او عزت می بخشد و دشمنان را به خواری و ذلت می کشاند.

حدیث بعدی را عبدالله ابن عمر فرزند خلیفه دوم از رسول گرامی اسلام نقل می کند که «يخرج المهدى و على رأسه غمامة فيها مناد ينادى هذا المهدى خليفة الله فاتبعوه»؛ یعنی حضرت مهدی خروج می کند در حالی که بالای سرش ابری است. این ابر بالای سر پیامبر هم بود و یکی از نشانه هایی که این انسان عالی مقام دارد که منشا تحولات عظیم خواهد بود نشانه های ظاهری بود که یکی از آن همین ابری بود که بالای سر پیامبر همواره سایه می انداخت و ما در آیات قرآن داریم که یهودیان به واسطه همین علائمی که در کتب خود داشتند پیامبر را تطبیق می کردند و پیامبر را مانند فرزندان خود می شناختند همان طور که در شناخت فرزندان خود اشتباه نمی کردند به همان شکل به واسطه آن علائم در تشخیص پیامبر اشتباه نمی کردند و هیچ تردیدی نداشتند. این مسئله در مورد حضرت عیسی هم هست. کرامات قبل از ظهور و بروز آن حقیقت اتفاق می افتد که به آن ارهاس می گویند. ارهاس حضرت عیسی این بود که بدون پدر به دنیا می آیند. خود پیامبر قبل از اینکه به نبوت برسند ۱۴ نشانه دارند.

در ادامه روایت می فرماید ملکی از این قطعه ابر صدا می زند که حاکم و جانشین الهی اوست و از او تبعیت بکنید.

حذیفه از پیامبر در پی جریان سفیانی این را بیان می کند که منادی از آسمان صدا می زند «أيتها الناس إن الله عز وجل قد قطع عنكم مده الجبارين والمنافقين وأشياعهم وأتباعهم و ولاكم خير أمه محمد صلى الله عليه وسلم فالحقوا به بمكة ، فإنه المهدى»؛ وقتی سفیانی به درک واصل می شود منادی صدا می زند که ای مردم خداوند دست ستمگران و منافقین و پیروان آنها را از سر شما کوتاه کرده است. و به سوی شما فرستاد به عنوان ولی، بهترین امت پیامبر اسلام را، به او ملحق شوید.

این دو روایت را ذیل آیه ای که ذکر شد نقل می کنند.

سومین آیه ای که در این مورد ذکر شده است در آن دو کتابی که جلسه قبل معرفی کردیم نیامده است.

سوره حدید آیه ۲۵ هم یکی از آیات در این موضوع است. این آیه توضیح حکمت عملی دارد. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

هدف رسالت همه انبیا همین آیه است. مراد از میزان این است که ما قدرت قانون گذاری به انبیا دادیم.

اول باید بدانیم مراد از قیام به قسط که در این آیه آمده چیست تا یک سوال مطرح کنیم. آیا این هدف اتفاق افتاده یا خیر؟ انبیا راه را روشن می کنند تا ما خود به حسب اختیار خودمان قائم به قسط شویم.

انسان موجودی دو ساحتی است. یک عنصر ملکی و خاکی که بدن و جسم اوست و یک ساحت انسان هم از عنصری مجرد و ملکوتی تشکیل شده که آن را تاویل به روح می کنند که این عنصر به واسطه چهار حیثیت و چهار جهت، چهار اسم دارد. از آن جهت که آن عنصر مجرد موجب حیات و زندگی است اسم آن را روح می گذارند. از آن جهت که این عنصر موجب فعالیت می شود اسم آن را نفس می گذارند. از آن جهت که این عنصر موجب تفکر و تعقل می شود اسم آن را عقل می گذارند. از آن جهت که این عنصر منشا ارتباط با خداوند می شود اسم آن را قلب می گذارند. قلب و عقل و نفس و روح، چهار اسم برای عنصر مجرد که جنبه ملکوتی دارد.

تمام فعل و انفعالات نفس انسان به واسطه سه قوه است. قوه شهویه، قوه غضبیه و قوه متفکره. قوه شهویه یعنی قوه ای که منافع انسان را جلب می کند مثل خوردن، خوابیدن و... قوه غضبیه به دنبال دفع مضرات است. علم و پویندگی و.. به واسطه قوه متفکره است.

اگر انسانی در این سه قوه اعتدال پیشه کند، صاحب ملکه عدالت می شود. مردم به واسطه تبعیت از انبیا باید به این حد از اعتدال برسند. عدالت یعنی به اعتدال کشاندن قوای سه گانه نفس.

آیا مقطعی را می شناسید که این اتفاق افتاده باشد؟ اگر بگویید که اتفاق نمی افتد یعنی اینکه انبیا در رسیدن به هدفشان ناکام هستند ولی خدا حکیم است و هرگز چنین نمی شود. به انصاف و وجدان این معنا اتفاق نیفتاده است که همه انسان ها دارای ملکه عدالت شوند. ولی یک مقطعی خواهد رسید که هدف همه انبیا استیفا می شود و آن دوران ظهور امام عصر است. دوران تمامیت عقل است. امام باقر می فرماید: «إذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وكملت بها احلامهم»؛ یعنی هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آن ها را با آن جمع کرده و افکارشان با آن تکمیل می شود.

این از خصائص دوران ظهور امام عصر است. حتی در دوران امیرالمومنین حاکم عادل است و مواضع عدالت را می شناسد، اما یک مشکل وجود دارد و آن اینکه مردم پذیرای عدالت نیستند اما در دوره امام عصر مردم پذیرای عدالت هستند. لذا به امام صادق می گویند چرا قیام نمی کنید؟ به عده تاکید ندارند بلکه عدم آمادگی جامعه را مورد اشاره قرار می دهند. کما اینکه جامعه آماده عدالت امیرالمومنین را نداشت و آن عالم مسیحی در مورد امیرالمومنین می گوید: «قتل علی فی محراب عباده لشده عدالته»؛ جامعه چه زمانی پذیرا می شوند؟ زمانی که تمامیت عقل حاکم باشد.

پس از دیدگاه آیات همین سه آیه کفایت می کند در جلسات بعد از منظر روایات و علم کلام موضوع را بررسی خواهیم کرد.